

نقش و اقدامات شهید علامه سید ضیاءالدین رضوی در نهضت اصلاح نصاب آموزشی پاکستان و دفاع از حقوق آموزشی شیعیان

ساجد علی^۱

چکیده

مسئله نصاب آموزشی در پاکستان از موضوعات مهم و چالش برانگیز حوزه آموزش و هویت مذهبی است. از اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی تغییراتی در محتوای کتاب‌های درسی دولتی ایجاد شد که از نگاه بخش قابل توجهی از جامعه شیعه با باورها و آموزه‌های مذهبی آنان ناسازگار بود. شهید علامه سید ضیاءالدین رضوی به عنوان یکی از برجسته‌ترین رهبران دینی شیعه در گلگت بلتستان با درک پیامدهای فرهنگی و اعتقادی این روند نهضتی گسترده برای اصلاح متون درسی و تأمین حقوق آموزشی شیعیان آغاز کرد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی دیدگاه‌ها فعالیت‌ها و اقدامات شهید رضوی در زمینه اصلاح نصاب آموزشی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد وی از طریق فعالیت‌های فرهنگی سخنرانی‌های عمومی رایزنی با مسئولان دولتی سازمان‌دهی اعتراضات مدنی و ارائه راهکارهای عملی تلاش نمود نظام آموزشی پاکستان به سمت رعایت تنوع مذهبی و عدالت آموزشی حرکت کند. نتایج حاکی از آن است که نهضت اصلاح نصاب تعلیم یکی از مهم‌ترین ابعاد مبارزات فرهنگی شهید رضوی محسوب می‌شود که آثار آن همچنان در مطالبه‌گری‌های آموزشی شیعیان پاکستان قابل مشاهده است.

واژگان کلیدی: شهید سید ضیاءالدین رضوی نصاب تعلیم نظام آموزشی پاکستان شیعیان پاکستان گلگت بلتستان عدالت آموزشی.

^۱ کارشناسی ارشد، رشته تاریخ معاصر جهان اسلام، گروه تاریخ تمدن اسلامی، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، افغانستان. رایانامه: sajed_ali@miu.ac.ir.

مقدمه

نظام آموزشی هر کشور نقش بنیادینی در شکل‌دهی هویت فرهنگی اجتماعی و اعتقادی نسل‌های آینده ایفا می‌کند. تدوین محتوای آموزشی مبتنی بر عدالت تنوع فرهنگی و احترام به باورهای مختلف شهروندان یکی از شاخص‌های مهم توسعه آموزشی و اجتماعی به‌شمار می‌رود. در جوامع چندمذهبی بی‌توجهی به این اصل می‌تواند زمینه‌ساز بروز چالش‌های هویتی فرهنگی و اجتماعی گردد و همبستگی ملی را تضعیف نماید. پاکستان به‌عنوان کشوری با تنوع مذهبی و فکری همواره با مسئله چگونگی انعکاس دیدگاه‌های مختلف اسلامی در نظام آموزشی مواجه بوده است. در دهه‌های اخیر بخشی از جامعه شیعه پاکستان نسبت به محتوای برخی کتاب‌های درسی دولتی انتقاداتی مطرح کرده و آن را ناسازگار با باورهای مذهبی خود دانسته‌اند. این موضوع به یکی از مهم‌ترین مطالبات فرهنگی و آموزشی شیعیان تبدیل شد و ابعاد سیاسی اجتماعی و هویتی گسترده‌ای یافت.

در این میان شهید علامه سید ضیاءالدین رضوی با شناخت عمیق از تأثیر آموزش بر هویت نسل جوان مسئله اصلاح نصاب آموزشی را در کانون فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی خود قرار داد. وی با تأکید بر ضرورت تدوین متون آموزشی مبتنی بر مشترکات اسلامی و رعایت حقوق تمامی مذاهب نهضتی فراگیر را در گلگت بلتستان و سایر مناطق شیعه‌نشین پایه‌گذاری کرد. پژوهش حاضر تلاش دارد نقش و اقدامات این عالم شهید را در فرآیند مطالبه‌گری برای اصلاح نظام آموزشی پاکستان مورد بررسی قرار دهد و نشان دهد چگونه یک رهبر دینی توانست مسئله‌ای آموزشی را به مطالبه‌ای هویتی و مدنی تبدیل کند.

سؤال اصلی پژوهش: شهید علامه سید ضیاءالدین رضوی چه نقشی در نهضت اصلاح نصاب آموزشی پاکستان ایفا کرد و اقدامات وی چه تأثیری بر مطالبه‌گری آموزشی شیعیان پاکستان داشت؟

فرضیه پژوهش: به نظر می‌رسد شهید سید ضیاءالدین رضوی با سازمان‌دهی فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی و مدنی توانست مسئله اصلاح نصاب آموزشی را به یکی از مهم‌ترین مطالبات هویتی و آموزشی شیعیان پاکستان تبدیل کرده و زمینه گسترش آگاهی عمومی نسبت به حقوق آموزشی اقلیت‌های مذهبی را فراهم سازد.

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای اسناد تاریخی سخنرانی‌ها و گزارش‌های مرتبط انجام شده است. هدف آن تبیین ابعاد مختلف نهضت اصلاح نصاب و

جایگاه شهید رضوی در آن است.

۱. مسئله نصاب تعلیم در پاکستان

در پاکستان تغییرات در نظام آموزشی و تدوین محتوای درسی همواره یکی از موضوعات مورد بحث بوده است. پس از سال ۱۹۹۹ برخی اصلاحات در کتاب‌های درسی صورت گرفت که منجر به نگرانی‌های گروه‌های مذهبی مختلف از جمله جامعه شیعیان شد. یکی از چالش‌های عمده‌ای که دانش‌آموزان شیعه با آن روبه‌رو هستند محتوای درسی‌ای است که عمدتاً بر اساس دیدگاه‌های اهل سنت تدوین شده است. این مسئله موجب شده دانش‌آموزان شیعه مجبور باشند مطالبی را مطالعه کنند که با عقاید مذهبی‌شان هماهنگ نیست. این چالش در مدارس ابتدایی متوسطه و حتی دانشگاه‌ها دیده می‌شود و ابعاد گسترده‌ای از تبعیض آموزشی را آشکار می‌سازد. برای حل این مشکل تشکل‌ها و رهبران مذهبی شیعه در طول تاریخ تلاش‌هایی داشته‌اند. این گروه‌ها خواستار اصلاح محتوای درسی به رسمیت شناختن اعتقادات شیعه و تدوین کتب آموزشی متناسب با باورهایشان بوده‌اند. با وجود این تلاش‌ها دولت پاکستان تاکنون توجه کافی به این درخواست‌ها نداشته است. کارشناسان آموزشی معتقدند ایجاد یک نظام آموزشی متعادل که تمامی مکاتب فکری را در بر گیرد می‌تواند باعث تقویت همبستگی ملی و کاهش اختلافات مذهبی شود. اصلاحات در نظام آموزشی نه تنها می‌تواند به عدالت اجتماعی کمک کند بلکه موجب ارتقای سطح علمی و فرهنگی کشور نیز خواهد شد.

پس از سال ۱۹۹۹ دشمنان اسلام و پاکستان که در حکومت حضور داشتند پس از ناکامی در هر میدان علیه ملت تشیع به نقشه‌ای فکر شده وهابی‌ها محتوای ضد شیعه را به نصاب درسی حکومتی افزودند. این مشکل متون درسی برای دانش‌پژوهان شیعی که در مدارس دولتی پاکستان اعم از مدارس ابتدایی دبستان راهنمایی دبیرستان دانشکده و دانشگاه وجود دارد و دانش‌پژوهان شیعی مجبورند کتاب‌های دینی و عقاید اهل سنت را بخوانند و بر طبق آن امتحان بدهند. برای دانش‌پژوهان شیعی کتاب درسی مشخصی در نظر گرفته نشده است. این کار دولت خشم شیعیان و علمای شیعه را برانگیخته بود و شیعیان خواستار حل این مسأله و داشتن متون درسی شیعی جداگانه در تمام سطوح علمی بودند ولی دولت پاکستان توجهی به این خواسته شیعیان نداد. دانش‌پژوهان شیعی در سراسر پاکستان مجبور به خواندن کتب درسی دینی و عقاید اهل سنت هستند و مؤسسات سازمان‌ها و مراکز اسلامی در سازمان‌ها و تشکل‌های شیعه و

همچنین رهبران شیعی همواره نگرانی خودشان را در این باره ابراز نمودند. کمیته‌هایی برای حل و فصل این مشکل به وجود آمده بود مانند تحفظ حقوق شیعه توسط مفتی جعفر حسین و کفایت حسین در سال ۱۹۴۹ میلادی در لاهور و کنفرانس سراسری شیعه در سال ۱۹۴۸ میلادی توسط نواب مظفر علی قزلباش در لاهور و کمیته خواست‌های شیعه (شیعه مطالبات کمیته) با تلاش و همت سید محمد دهلوی در سال ۱۹۶۰ میلادی در کراچی. یکی از اهداف مهم شکل‌گیری این کمیته‌ها حل و فصل اصلاح متون درسی بود.

این سابقه تاریخی نشان می‌دهد مسئله نصاب آموزشی مسئله‌ای نوپدید نیست بلکه ریشه در دهه‌های نخست تأسیس پاکستان دارد. با این حال پس از دهه ۱۹۹۰ شدت و عمق آن افزایش یافت و ابعاد سیستماتیک‌تری به خود گرفت. در چنین بستری شهید رضوی با درک عمیق از خطر انحراف اعتقادی نسل جوان وارد میدان شد و نهضت اصلاح را رهبری کرد.

۲. یک اعتراض و پاسخ آن

برخی می‌گفتند مشکل نصاب تعلیم فقط در گلگت بلتستان است و در جاهای دیگر پاکستان نیست چون اعتراض به نظام آموزشی فقط در گلگت بلتستان صورت می‌گیرد. چنین افرادی باید بدانند اولاً این موضوع به حقوق آموزشی تنوع مذهبی و عدالت اجتماعی مربوط می‌شود. ثانیاً محتوای درسی نه تنها در کتب دینیات بلکه در تمامی مقاطع تحصیلی حتی در کتاب‌های نقاشی و علوم اجتماعی شامل عناصر تبعیض‌آمیز شده است که مورد پذیرش جامعه شیعه نیست. ثالثاً اعتراض به این بی‌عدالتی آموزشی سابقه‌ای طولانی دارد:

۱. ۱۹۴۸: نواب مظفر علی قزلباش نخستین تلاش‌های رسمی برای اصلاح نظام آموزشی را آغاز کرد.

۲. ۱۹۴۹: مفتی جعفر حسین و کفایت حسین کمیته تحفظ حقوق شیعه را تشکیل دادند.

۳. ۱۹۶۰: سید محمد دهلوی کمیته مطالبات شیعه را بنیان گذاشت.

این تلاش‌ها نشان می‌دهند که این مشکل محدود به گلگت بلتستان نیست بلکه یک مسئله ملی است که در مناطق مختلف پاکستان مطرح شده است. عدم پاسخ‌گویی دولت و تبعیض آشکار علیرغم تلاش‌های گسترده رهبران شیعه دولت پاکستان به این مطالبات توجهی نکرده است. در حالی که در برخی مناطق مانند مالاکنڈ دویژن و کوهستان دولت به درخواست‌های مردم برای اجرای شریعت پاسخ مثبت داده و قوانین خاصی را اجرا کرده است اما خواسته‌های

شیعیان نادیده گرفته شده است.

سؤال اساسی این است: آیا دولت پاکستان حقوق آموزشی و عقیدتی میلیون‌ها شهروند شیعه را نادیده می‌گیرد؟ آیا تحمیل عقاید اکثریت بر اقلیت مذهبی مصداق تبعیض سیستماتیک و نقض حقوق بشر نیست؟ پیامدهای این سیاست آموزشی ایجاد تبعیض مذهبی است؛ دانش‌آموزان شیعه مجبور به خواندن متونی می‌شوند که با عقایدشان تعارض دارد. بی‌عدالتی آموزشی در مناطقی مانند دانشگاه نگر که صد درصد اساتید و دانشجویان شیعه هستند حق انتخاب منابع آموزشی مستقل وجود ندارد. نادیده گرفتن تنوع مذهبی ده‌ها هزار دانش‌آموز در مدارس شیعه‌نشین از داشتن کتاب‌های درسی مطابق عقاید خود محروم هستند. اگر دولت پاکستان به رفع این مشکل اقدام نکند تبعیض آموزشی و شکاف مذهبی در جامعه بیشتر خواهد شد. ضروری است مطالبات مشروع شیعیان برای اصلاح نظام آموزشی جدی گرفته شود تا اصل آزادی مذهبی و عدالت اجتماعی در کشور رعایت گردد. راه‌حل پیشنهادی تشکیل یک کمیسیون ملی اصلاحات آموزشی است که بتواند متون درسی را به‌گونه‌ای تنظیم کند که عقاید هیچ گروهی تحمیل نشود و حقوق تمامی شهروندان محترم شمرده شود.

۳. ترفندی خطرناک برای ریشه‌کن کردن تشیع در چارچوب آموزش برنامه درسی

شهید سید ضیاءالدین رضوی در شهر کراچی در یک جلسه چنین اظهار نظر داشت: برادران ایمانی ما متوجه هستیم که دشمن در پی کشتن شیعه علی و نابود کردن از صفحه زمین است. این چیزی است که همه ما احساس می‌کنیم و ما در فکر مقابله با این توطئه هستیم و اقداماتی را هم انجام می‌دهیم. اما الان دشمن متوجه شده با شلیک به سینه شیعیان علی نمی‌توان کارشان را تمام کرد. فکر کردند چرا چنین کاری نکنیم که فقط جسم شیعه بماند فقط بدن خاکی شیعه بماند جنازه‌های متحرک بماند اما ایمانشان تمام شود عقیده‌شان تمام شود روح ولایی که از مولا علی و اهل بیت علیهم‌السلام دارند قطع شود. پس دشمن تحت حمایت دولت راه دیگری را در پیش گرفت که خطرناک‌تر از راه اول است اثرش هم خطرناک‌تر و عمیق‌تر است.

از این رو در نهادهای دولتی چنین برنامه درسی وارد شد که اگر کودکی پس از خواندن این برنامه درسی به آن اعتقاد داشته باشد نمی‌تواند شیعه بماند. برایش شیعه ماندن ممکن نیست. و این کار برای دشمن آسان‌تر و مؤثرتر و کارآمدتر بود بنابراین از عرصه دراز این سلسله جاری است و ما حتی متوجه هم نیستیم که فرزندانمان چه می‌خوانند. لذا چنین شد که فرزندی به خانه

آمد دید پدرش در حال وضو گرفتن است وضوی پدر را دید و همین‌طور نماز پدر را دید بعد پسر گفت پدر وضوی تو اشکال دارد و نمازت هم اشکال دارد. پدر گفت چه اشکالی دارد فرزندم؟ کودک گفت بابا در کتاب درسی خوانده‌ام که می‌گوید این وضوی شما اشتباه است این روش نماز خواندن شما اشتباه است این اذان شما اشتباه است.

شهید ضیاءالدین رضوی در سخنرانی خود گفت: به‌عنوان مثال در حال حاضر در کتاب اردوی کلاس دوم یک مقاله هست با عنوان «صبح سویرم» صبح زود چه باید کرد؟ در سطر اول و دوم این مضمون نوشته شده است که صبح زود وقتی که از خواب بلند شدید باید دست و صورت را شست وضو گرفت. و روش وضو گرفتن را در آنجا بیان کرده است روش وضو گرفتن که فقه شما آن را باطل قرار می‌دهد به بچه‌های شما یاد می‌دهند. به فرزندان شیعیان علی می‌گویند وضو را باید چنان بگیرید و مجتهدین شما در رساله عملیه نوشتند وضو گرفتن از روش آن‌ها وضو را باطل می‌کند و نمی‌توان با آن نماز خواند. و ستم بالایی ستم این است که در صفحه بعدی این مقاله عکس‌های وضو گرفتن را منظم آورده شده است که چه جوری باید وضو گرفت. یعنی وضوی سنی‌ها را قشنگ با عکس‌هایش آوردند شستن پاها و غیره را. من در شستن پاها ایرادی ندارم. من هیچ اعتراضی به دینی که این عقیده متعلق به آن است ندارم. اما چرا بچه‌های ما چنین وضویی را یاد بگیرند چون فقه ما چنین وضویی را قبول ندارد. و این کتاب توسط هیئت کتب درسی پنجاب با حمایت وزارت تعلیم اسلام‌آباد منتشر شده است. و همین‌طور در این کتاب مطالب زیادی ذکر شده است که با احکام و اعتقادات شیعه مخالف است.

و همچنین آیات قرآن را غلط ترجمه کرده‌اند. هر جا آیه‌ای در مدح اهل بیت اطهار باشد ترجمه تحریف شده است. هنگام نقل واقعه‌ای از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام درباره فضیلت‌شان چیزی آمده باشد را ذکر نکرده‌اند و روایت را ناتمام آورده‌اند و کل واقعه را عمداً بیان نکرده‌اند. حتی در داخل نقاشی نیز سعی شده است که سوگیری رنگ (رنگ تعصب) آمیزی شود. چه احادیث رسول الله باشد چه تاریخ باشد چه فقه باشد چه عقاید باشد و چه تفسیر در همه این‌ها از یک فرقه ترجمانی شده است و هیچ احترامی برای اعتقادات شیعه قائل نشده است.

شهید معتقد بود که ما در قیام پاکستان با سنی‌ها شریکیم لذا در کتب درسی (نصاب تعلیم) اعتقادات ما هم باید ذکر شود و این حق قانونی ما است. در اینجا بنده یک سؤال به همه علمای شیعه و دانشمندان شیعه دارم. آیا این مسئله فقط مربوط به شهید ضیاءالدین بود؟ چرا دیگر تمام علما در چنین موضوع حساسی ساکت ماندند. فقط ساکت نماندند بلکه به شهید ایراد گرفتند و

گفتند شاید شما به اشاره کسی دیگر از خارج پاکستان این کار را می‌کنید. اگر این مشکل همه شیعه هست چرا جز شما همه علما و بزرگان شیعه ساکت‌اند؟ شاید من فکر می‌کنم در آن زمان دیگر بزرگان ملت حساسیت این موضوع را به‌خوبی متوجه نشدند و عواقب شوم این مسئله را به‌خوبی درک نکردند لذا آن‌ها با جدیت با شهید همکاری نکردند. شهید چون می‌دانست این یک مشکل جدی هست و باید الان حل شود مسئله نصاب تعلیم را به راه انداخت. این دوراندیشی و بصیرت و زمان‌شناسی شهید بود که در آن زمان این موضوع حساس را به گوش همه رساند. اگر در آن زمان کل ملت تشیع با شهید هم‌صدا شده بودند تا زمانی که پاکستان هست این مسئله حل شده بود. اما متأسفانه این مسئله همان تا به حال ادامه دارد و الان دانشمندان ملت تشیع افسوس می‌کنند که چرا ما حرف‌های شهید را جدی نگرفتیم و چه جوری عواقب این کار را متوجه نشدیم.

۴. نظریه شهید سید ضیاءالدین رضوی درباره نظام آموزشی

طبق قانون اساسی شیعه و سنی هر دو مذهب رسمی پاکستان هستند و این کشور با همکاری و تلاش هر دو گروه مذهبی تأسیس شده است. به‌ویژه نقش و قربانی‌های شیعیان در تأسیس پاکستان برای هیچ‌کس پنهان نیست. طبق این قانون کتب درسی باید شامل عقاید هر دو گروه باشند و از درج محتوای اختلاف‌افکن میان مسلمانان اجتناب شود. با این حال از سال ۱۹۹۷ در تمامی کتاب‌های درسی از کلاس اول تا دانشگاه این قانون نادیده گرفته شده و محتوای ضد شیعه در کتب گنجانده شده است.

در مدارس دولتی نظام آموزشی از مدرسه ابتدایی تا دانشگاه بر مذهب اهل سنت ترتیب می‌شود و به مذهب شیعه توجهی نمی‌شود. چه تاریخ باشد چه عقاید و تفسیر قرآن نظر شیعه را ذکر نمی‌کنند یا در بعضی مراحل برنامه جداگانه ترتیب داده‌اند. این یکی از موانع گسترش تشیع است. نظام آموزشی که فعلاً در کشور پاکستان رایج هست برای بچه‌های شیعه آسیب اعتقادی و تاریخی وارد می‌کند و این برای نسل‌های آینده یک خطر جدی محسوب می‌شود.

در ایالت گلگت بلتستان که جمعیت هشتاد درصد را شیعه تشکیل می‌دهند در این مناطق برای بازنگری در نظام آموزشی نهضتی را شهید علامه سید ضیاءالدین رضوی بر عهده گرفت. شهید فرمود: دنیا سعی می‌کند حقایق را بفهمد و آن را بیان کند. در جایی که عقاید دیگران را می‌نویسند چرا عقاید ما را نمی‌نویسند؟ در عقاید ما چه مشکلی دارد؟ مخصوصاً در گلگت

بلتستان که صدها مدرسه وجود دارد که صد درصد اساتید و دانش‌آموزان شیعه هستند. این ظلم نیست که به جای اینکه به این‌ها گفته شود علی ابن ابی‌طالب علیه‌السلام خلیفه اول و جانشین رسول‌الله هستند نام دیگران برده شود و این‌ها خلیفه رسول‌الله معرفی می‌شوند؟ این عقیده هر که دارد برایش مبارک باشد و خودش داشته باشد و برای بچه‌های ما که گفته نشود. برای نسل جوان ما عقیده ما گفته شود چون عقیده من از افراد معمولی گرفته نشده به فرموده رسول خدا «انا مدینه العلم و علی بابها» هر که بخواهد در شهر علم داخل شود باید از درب شهر وارد شهر شود یعنی هر که می‌خواهد دین را بگیرد و از پیامبر اسلام بگیرد باید از علی عبور کند تا به پیامبر برسد. بدون علی امکان نیست پیامبر را دست یابد و من از باب علم عقیده خودم را گرفتم. پس عقیده‌ای که از اهل بیت رسول گرفته شده است باید حفظ شود و من هر شیء را به خاطر حفظ عقیده‌ام فدا خواهم کرد ولی عقیده را فدای چیزی نخواهم کرد. این تصمیم و اراده من است که یا حق خودم را بگیرم یا در راه حفظ عقیده جان خودم را فدا خواهم کرد و من به کسی دیگر نمی‌گویم بروید که به حفظ عقیده‌تان تظاهرات کنید و جان‌فشانی کنید چون من در چنین جایگاهی نیستم که به شما فرمان بدهم چون شما خودتان خوب می‌دانید شما با بصیرت و صاحبان فهم و فراست هستید و می‌دانید در این وضعیت وظیفه خودتان چیست و چه باید کرد و هر چه را وظیفه می‌دانید بر حسب آن وظیفه قدم بردارید.

۵. برخی از تخریب‌های عقاید شیعه که در کتب درسی دولتی صورت گرفته است

۱. نزول اولین وحی بر پیامبر اکرم (ص) در کتب درسی به گونه‌ای به تصویر کشیده شده است که گویی پیامبر اکرم (ص) نسبت به نبوت خود شک داشتند. یعنی پیامبر اسلام (ص) نمی‌دانستند که از جانب خداوند مبعوث به رسالت شده‌اند و این حقیقت را عالم اهل کتاب به ایشان یادآوری می‌کند. این چنین عقیده‌ای با اهل تشیع مناسبتی ندارد. شیعه پیامبر خدا را نبی‌الله می‌دانند قبل از بعثت النبی (ص) و بعد از بعثت رسول‌الله. پس چنین نسبتی که پیامبر اولین وحی خود را نمی‌دانستند و از ورقه بن نوفل عالم اهل کتاب علم به رسالت خود پیدا کرده است کاملاً توهین و تحقیر پیامبر خدا (ص) است. این واقعه را در کتاب‌های آموزشی دولتی زیر آورده‌اند:

الف. کتاب اسلامیات کلاس چهارم ابتدایی صفحه ۲۲۲

ب. کتاب معاشرتی علوم کلاس چهارم ابتدایی صفحه ۱۱۵

ج. کتاب اسلامیات کلاس اول راهنمایی صفحه ۶۷

د. کتاب اردو کلاس اول راهنمایی صفحه ۱۴

ه. کتاب اسلامیات فوق دیپلم صفحه ۱۱۶

و. کتاب اسلامیات لیسانس صفحات ۱۱ ۲۱۸ ۲۱۹

۲. پدر حضرت ابراهیم (ع) را بت پرست معرفی کرده‌اند. من فکر می‌کنم چون این‌ها پدر امیرالمؤمنین بزرگ‌ترین حامی پیامبر (ص) حضرت ابوطالب (ع) و پدر و اجداد پیامبر اکرم (ص) را نعوذبالله کافر می‌خوانند و معتقدند پدران و مادران انبیاء کرام هم امکان دارد کافر باشند دلیل بر این ادعای خود می‌گویند چون پدر حضرت ابراهیم خلیل‌الله چون کافر بودند پس پدران انبیاء دیگر هم می‌شود کافر باشند و همین‌طور پدر پیامبر اسلام حضرت عبدالله و پدر امیرالمؤمنین حضرت ابوطالب نیز نعوذبالله کافر و مشرک بودند و این واقعه کافر بودن پدر حضرت ابراهیم را در کتاب آموزشی دولتی زیر آورده‌اند:

الف. کتاب اسلامیات کلاس اول راهنمایی صفحه ۶۲

۳. در جاهای مختلف تلاش شده است که خلفای اهل سنت را به‌عنوان خلفای ثلاثه تمامی مسلمانان معرفی کنند. این‌ها این قضیه اختلافی را در کتب درسی دولتی آوردند آن هم نظر یک فرقه خاص را در کشوری که بچه‌های شیعه هم درس می‌خوانند. این مطلب را با نمایندگی یک فرقه در کتب آموزشی درسی زیر آورده‌اند:

الف. کتاب اردو کلاس سوم ابتدایی صفحه ۸۹

ب. کتاب اسلامیات کلاس چهارم ابتدایی صفحه ۵۵

ج. کتاب عربی کلاس دوم راهنمایی صفحه ۴۶

د. کتاب اسلامیات کلاس پنجم ابتدایی صفحه ۴۷

ه. کتاب اردو کلاس اول راهنمایی صفحه ۱۴۶

و. کتاب معاشرتی علوم کلاس دوم راهنمایی صفحات ۱۲ ۱۳ ۱۴

ز. کتاب اسلامیات کلاس دوم راهنمایی صفحه ۸۹

ح. کتاب اردو کلاس دوم راهنمایی صفحه ۲۳

۴. درباره خلیفه اول و دوم القاب امیرالمؤمنین داده شده است. لقب صدیق اکبر و امیرالمؤمنین برای خلیفه اول ابوبکر و لقب فاروق اعظم برای خلیفه دوم عمر بن خطاب به کار گرفته‌اند و در کتب درسی زیر این القاب را به آن دو نفر به کار گرفتند:

- الف. کتاب اردو کلاس چهارم ابتدایی صفحه ۷۷
- ب. کتاب اسلامیات کلاس چهارم ابتدایی صفحه ۲۵
- ج. کتاب اردو کلاس پنجم ابتدایی صفحه ۶
- د. کتاب اردو کلاس دوم راهنمایی صفحه ۹
- هـ. کتاب عربی کلاس دوم راهنمایی صفحه ۲۷
- ز. کتاب اسلامیات کلاس سوم راهنمایی صفحه ۳۵
- ح. کتاب اردو کلاس سوم راهنمایی صفحه ۶
۵. این‌ها در جاهای متعدد کتب درسی آموزشی مدارس و دانشگاه‌های دولتی سعی کردند فضائل و کمالات امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع) را مخفی بکنند:
- الف. دعوت ذوالعشیره را در این دو کتب درسی ناقص آورده‌اند:
۱. کتاب اسلامیات کلاس چهارم ابتدایی صفحه ۲۷
 ۲. در کتاب اسلامیات لیسانس صفحه ۲۲۲
- ب. در این دو کتاب‌های زیر نزول آیت «الیوم اکملت لکم دینکم...» را به جای اینکه ۱۸ ذی‌الحجه بنویسند ۹ ذی‌الحجه نوشتند:
۱. کتاب اسلامیات کلاس پنجم ابتدایی صفحه ۵۶
 ۲. اسلامیات لیسانس صفحه ۲۹
- ج. در جنگ خیبر حدیثی که پیامبر خدا به شأن امیرالمؤمنین علی (ع) بیان فرموده است در کتاب زیر اصلاً ذکر نکرده است:
۱. کتاب اسلامیات کلاس دوم راهنمایی صفحه ۲۱
- د. در ترجمه آیت مباهله سعی شده است حق مخفی بماند و بر مردم و بچه روشن نشود. این خیانت در کتاب زیر انجام شده است:
۱. کتاب عربی کلاس دوم راهنمایی صفحه ۳۱
- هـ. یزید لعنه‌الله علیه را از حادثه المناک کربلاء بری ساختن و گفتند در قتل حسین ابن علی (ع) آل رسول و اصحاب حسین یزید (لعنه‌الله) هیچ‌گونه دخالتی نداشته است و او بی‌اطلاع بودند. ابن زیاد لعنتی امام حسین (ع) آل و اصحاب امام (ع) را قتل کرده است و این سعی بیهوده را در کتاب زیر به کار گرفته‌اند:
۱. کتاب اردو کلاس سوم راهنمایی صفحه ۱۰۵

ز. خالد بن ولید را در مقابل امیرالمؤمنین قرار دادند و از طریق یک حدیث جعلی او را «سیف‌الله» معرفی کردند و گفتند که خالد بن ولید کسی است که بهش رسول‌الله لقب سیف‌الله داده است چون او از شجاعت و شمشیر خود به اسلام خیلی کمک کرده است. این اسراییلیات را در:

۱. کتاب اردو کلاس سوم راهنمایی صفحات ۳۰ ۳۳ آورده‌اند.

۶. تلاش برای برنامه آموزشی غیرمتنازع

شهید سید ضیاءالدین رضوی از دیرباز درباره برنامه درسی دولتی که برای همه قابل قبول باشد کوشش‌های فراوانی انجام دادند. ایشان معتقد بودند که در مدارس و دانشگاه‌های دولتی عقایدی تدریس می‌شود که متصادم با عقاید اهل تشیع است و طلبه‌ها مجبور به یادگیری عقایدی برخلاف باورهای خود هستند. بدین ترتیب احساس ضرورت شد که درباره برنامه آموزشی دولتی بررسی دقیقی صورت گیرد. در آغاز سال ۲۰۰۰ میلادی کتاب‌های مدارس و دانشگاه‌ها مورد بررسی قرار گرفتند و مشخص شد که این برنامه آموزشی برخلاف عقاید شیعه است و در واقع یک توطئه عمیق برای انحراف عقاید دانش‌آموزان و دانشجویان شیعه بود. اگر این روند ادامه می‌یافت به‌زودی عقاید مردم منطقه و حتی شیعیان به کلی نابود می‌شد. شیعیان از همان ابتدا حق داشتند که علیه این توطئه اعتراض کنند و برای دولت مشکلات ایجاد نمایند اما آن‌ها راهی شایسته و معقول را انتخاب کردند. با روش مناسبی از مسئولان خواستار جایگزینی برنامه متنازع با برنامه متفق‌علیه شدند. متأسفانه دولت درباره حل این مشکل هیچ‌گونه اقدامی نکرد تا سه سال تلاش و کوشش با روش مسالمت‌آمیز انجام شد. در این راستا گزارش اقدامات به شرح زیر است:

۱. تمام مواد اختلافی که در کتاب‌های متعدد ذکر شده بودند جمع‌آوری شد. سپس این مواد به دولت پاکستان به‌ویژه اداره آموزش و پرورش مناطق شمال ارائه شد و نگرانی‌ها به اطلاع آنان رسید. همچنین در سال ۲۰۰۰ میلادی ملاقات‌های متعددی با مسئولان مربوطه در رابطه با مسئله برنامه آموزشی برگزار شد. در موارد مختلف پیشنهاد‌های متعددی ارسال شد و چندین بار به‌صورت مکتوب از دولت خواسته شد که برنامه آموزشی متنازع را به یک برنامه متفق‌علیه تبدیل کنند و تا زمانی که برنامه جدید و متفق‌علیه آماده نمی‌شود از اجرای برنامه آموزشی اختلافی فعلی جلوگیری شود. سال ۲۰۰۰ میلادی تمام شد ولی دولت برای حل مشکل هیچ

اقدامی نکرد و فقط با وعده‌های دروغ شیعیان را سرکار گذاشت و گاهی شیعیان از جانب دولت و ارباب اقتدار با لحن شدیدی تهدید می‌شدند ولی شیعیان برای دستیابی به حق خویش سعی و تلاش خودشان را با روش صلح‌آمیزی ادامه دادند.

۲. سال ۲۰۰۱ میلادی شروع شد. وفود شیعیان برای حل مشکل برنامه درسی بارها در دولت را زدند ولی کسی حرفشان را گوش نداد. این‌ها بارها گفتند که به‌علت حرف‌های خطرناکی که در برنامه آموزشی بیان شده است آرامش مدارس و دانشگاه‌ها خراب خواهند شد ولی دولت به حرف‌های این‌ها اصلاً توجه نداد. در نتیجه در سال ۲۰۰۱ میلادی ماه جون در منطقه جوتیال دبیرستان شماره ۲ گلگت دانشجویان شیعه اوراق کتاب عربی را پاره کردند در نتیجه بر تعدادی از دانشجویان شیعه اتهام جرم دل‌آزاری عاید کردند و در آخر ماه جون واقعه‌ای شرم‌آور برای دولت رخ داد که یک دانشجوی شیعه را از مدرسه اخراج کردند و چند تن نیز بازداشت شدند. به‌خاطر باز کردن چشم‌های دولت از خواب غفلت وقایع ماه جون سال ۲۰۰۱ کافی بود ولی باز هم متوجه نشد و داشت مسخره می‌کرد. به شیعیان گفته شد که وزیر شمال و چیف اگزکتیو عباس سرفراز شما را برای حل مسئله برنامه درسی به اسلام‌آباد طلب کرده است. این‌ها هم با این خیال که شاید دولت واقعاً می‌خواهد این مسئله را حل کند اسلام‌آباد رفتند ولی دیدند که دولت در صدد حل مشکل این‌ها نیست و هیچ تمایلی در این باره ندارد بلکه می‌خواهد یک پیمان امنی ببندد و ذلت خویش را مخفی کند. چنانچه کسی به‌سوی این مسئله توجه نکرد و همان‌طور باقی ماند.

۳. در سال ۲۰۰۱ اوت وسط ماه از ایالت گلگت و دیامر گروهی از علمای کرام با چیف سکریتری ملاقاتی داشتند و باز هم درباره تشویش شیعیان در رابطه با برنامه متنازع‌آگاه نمودند ولی باز هم غیر از وعد و وعیده‌ها هیچ ثمره‌ای حاصل نشد.

۴. یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی در موضع بارگو یک دانشجوی شیعه را با این اتهام که ایشان در کلاس دوم راهنمایی از کتاب نقاشی یک ورق را پاره کرده است و از این حرکت دانشجویان فرقه دیگر اذیت شده‌اند از مدرسه اخراج کردند. اول مردم منطقه به شهر گلگت آمدند و با مسئولین اداره آموزش و پرورش ملاقات نمودند و مطالبه کردند که دانشجویی که اخراج شده است باید به مدرسه برگردانده شود و مسئله نصاب باید حل شود ولی حرف آن‌ها هم مؤثر واقع نشد در نتیجه دانشجویان شیعه به‌طور اعتراض مدرسه رفتند. گفتند ما نمی‌خواستیم که برای دولت مشکلات ایجاد شود لذا ما قبل از اینکه این روش اعتراض گسترش پیدا کند

می‌خواستیم کنترل کنیم ولی متأسفانه دولت و صاحبان اقتدار نه تنها در چاره حل مشکل ما نبود بلکه اصلاً در فکر مشکل ما هم نبود و اصلاً سعی نکرد بفهمد که ما چه می‌گوییم. بالاخره به‌خاطر اعتراضی که طلبه کرده‌اند از طرف نماینده دولت مرکزی در منطقه چیف سکریتری چند اراکین قانون‌ساز کونسل آمدند و گفتند که چیف سکریتری می‌پرسد که شما چه می‌خواهید؟ حال آنکه این‌ها چند بار رفتند تذکر دادند که ما برنامه‌ای را می‌خواهیم که غیرمتنازع باشد و این حرف را بارها تکرار کرده بودند. به هر حال بار دیگر به آن‌ها گفتند که مسئله اصلاح برنامه آموزشی را باید دولت حل بکند و ما پیشنهاد دادیم که دولت باید یک کمیته‌ای را تشکیل بدهد تا با آن‌ها صحبت بکنیم و با هم این مشکل را حل کنیم. دولت بعد از تفکر بسیار یک گروهی را معین کرد ولی آن گروه هم در حل این مشکل جدی نبود و برای حل این مسئله سعی نکرد. بعد از تشکیل این کمیته دانشجویان شیعه اعتراض را به اتمام رسانده و به کلاس‌ها می‌رفتند ولی باز هم مجبور بوده‌اند که همان متون متنازع را بخوانند و سال ۲۰۰۱ هم به پایان رسید.

۵. سال تحصیلی ۲۰۰۲ میلادی از ماه آوریل شروع شد و مدت دو سال سعی و تلاش این‌ها برای حل مسئله برنامه درسی به اتمام رسید. دولت هیچ اعتنایی نکرد و با زور به دانشجویان همان خلاف عقیده آنان درس داده می‌شد. بالاخره ناچار شده تصمیم گرفتند که باید راه اعتراض را اختیار نمایند. بنابراین دو هفته قبل اعلام نمودند که تاریخ ۱۰ مه سال ۲۰۰۲ شیعیان علی (ع) راه اعتراض را آغاز خواهند کرد. هدف اعلام این‌ها از اینکه دو هفته بعد اعتراض در واقع فرصتی بود که دولت برای حل این مسئله حساس چاره‌ای را بیندیشد. اما اول دولت توجه نداد ولی نزدیک به ۱۰ مه وقتی دید که شیعیان در تصمیم خویش مصمم هستند دولت یک کمیته‌ای را تشکیل داد و برخی از اراکین کمیته پیش این‌ها آمدند و گفتند که دولت یک گروهی متشکل از علمای مکاتب فکر مختلف را تشکیل می‌دهد و آن گروه ان‌شاءالله برای حل مشکل برنامه درسی سعی خواهد کرد. این‌ها هم قبول کردند و تصمیمی که گرفته بودند که ۱۰ مه راه‌پیمایی کنند به تأخیر انداختند تا این گروه اسلام‌آباد (پایتخت) برود و برای حل برنامه درسی سعی کند و منتظر ماندند تا این گروه مشکل را حل کند. این اراکین قانون‌ساز کونسل تلاش خودشان را کردند و این‌ها هم از آن‌ها تشکر کردند ولی مسئله نصاب همان‌طور به‌جای خود مانده بود و هیچ نتیجه‌ای به‌دست نیامده بود و این یک توطئه بزرگی برای به‌هم زدن آرامش در مدارس و منطقه گلگت بود لذا دولت با جدیت به‌سوی این مسئله توجه نکرد.

۶. چنانچه ماه مه و جون که تمام شد تعطیلات تابستانی شروع شد ولی عقیده مخالف بر دانشجویان شیعه مسلط ماند و در دوران تعطیلات هم شیعیان بارها به دولت تذکر دادند و گفتند که این مشکل را با سنجیدگی حل کنند. حداقل این کار (عدم تدریس مواد متنازع‌ه) را فقط در آن مدارس اجرا کنید که آنجا یک طالب علم یا طالبه‌ای باشد که عقیده (تشیع) را قبول دارد. مگر حرف‌های صلح‌آمیز و خواسته‌های صلح‌پسند شیعیان شمال پاکستان شنیده نشد و دولت اعتنایی نکرد. بعد از این همه بی‌اعتنایی غیر از تظاهرات هیچ راه دیگری نداشتند. لذا در ۲ دسامبر ۲۰۰۲ میلادی بعد از تعطیلات تابستانی که دوباره مدارس باز شده بود این‌ها تظاهرات صلح‌آمیزی را به راه انداختند. روز اول از مسجد جامع مرکزی شیعیان یک راه‌پیمایی بزرگ برگزار شد که در آن راه‌پیمایی غیر از دانشجویان اقشار مختلف مردم هم شرکت نمودند و این راه‌پیمایی پران و منظم تا اتحاد چوک رسید و شکل جلسه به خود گرفت و آنجا تصمیم‌گیری شد که تا حل مسئله برنامه آموزشی این تظاهرات ادامه خواهند یافت. روز دوم سپتامبر هم قرار بود تظاهرات ادامه یابند و مردم داشتند در مسجد جامع مرکزی جمع می‌شدند و همان روز قرار بود از طرف دولت وزیر جدید گلگت بلتستان (مناطق شمال) نثار میمن بیاید لذا دولت خیلی نگران بود. اگر شیعه‌ها می‌خواستند تظاهرات را ادامه می‌دادند و مسائل برای دولت و وزیر جدید ایجاد می‌شد ولی ما به‌خاطر احترام وزیر جدید تظاهرات آن روز را به تأخیر انداختند تا مشکلات و مسائل برای دولت و وزیر جدید ایجاد نشود ولی در پاداش این عمل وزیر جدید هم در رابطه با مسئله برنامه آموزشی ما با بهانه‌ها و با سهل‌انگاری‌ها جلو رفت. از گلگت سکردو و دیامر علمای کرام و زعماء جمع شدند و با هم با وزیر جدید ملاقات کردند ولی این سعی هم سودی نبخشید و وزیر قول داد که این مسئله در طول یک ماه حل خواهد شد. این‌ها به وزیر گفتند که یک کمیته‌ای با اختیار برای حل این مسئله تشکیل دهید. وزیر قول داد که این کار را هم خواهد کرد ولی عمل نکرد. باز هم این‌ها تظاهرات را تا روز جمعه به تأخیر انداختند تا در این مدت دولت راه‌حلی را پیدا کند.

۷. در این ایام علما و زعماء و اکابرین گلگت نگر و سکردو برای آگاه کردن مسائل با مقام بلند ارتش پاکستان در منطقه ژنرال ندیم ملاقات کردند ولی از اینجا هم پاسخ مناسبی نیامد. در تاریخ ۶ سپتامبر ۲۰۰۲ بعد از نماز جمعه هزاران شیعیان علی ابن ابی طالب علیهما السلام راه‌پیمایی‌ای به طرف چیف سکریتری‌هاوس برگزار کردند و خواستار حل مسئله برنامه آموزشی شدند.

۸. به خاطر عدم توجهی دولت بار دیگر شعبان تصمیم گرفتند که از نهم سپتامبر تا حل مسئله تظاهرات ادامه خواهند یافت و قبل از برگزاری تظاهرات بار دیگر گروهی از شیعیان با ژنرال ندیم ملاقات کردند که در این ملاقات وزیر گلگت بلتستان نثار میمن هم بود. شیعیان بار دیگر پیشنهاد دادند که دولت گروهی را تشکیل بدهد و با شیعیان مذاکره کنند و با توافق یکدیگر راه‌حلی را برای این مسئله تلاش کنند ولی دولت این پیشنهاد را هم قبول نکرد. ولی قول داد که در کمیته نظام آموزشی دولتی یک نفر از شیعیان را خواهد فرستاد ولی هنوز بر این وعده هم عمل نشده است. دولت قول داده بود که یک گروه شیعه در اسلام‌آباد با مسئول آموزش و پرورش دولت مرکزی ارتباط مستقیم برقرار کنند ولی این کار نیز نشد. چون حل مسئله فقط با مذاکره ممکن بود اما بنا بر وعده دولت تظاهرات را به تأخیر انداختند و مدارس دوباره باز شده و دانشجویان شیعه هم به مدارس رفتند. مگر دیدند که دولت خواسته‌های صلح‌آمیز ما را هم تحمل نمی‌کند و به سبب برنامه متنازعه مشکلات و مصائب و خطراتی که بر اتحاد و اتفاق میان مسلمانان عارض می‌شوند اصلاً احساس نمی‌کند به‌ویژه خطراتی که مذهب و عقیده دانشجویان شیعه مترتب خواهد شد بی‌پروا است. چنانچه دولت مثل سابق ساکت شد و هیچ عکس‌العملی برای حل مسئله تغییر متون درسی از خود نشان نداد.

۹. تا دو هفته هیچ خبری نشد بعد از آن شیعیان تذکر دادند که شما وعده‌ای داده بودید چه شد؟ طبق قرار ملاقاتی که ۲۶ سپتامبر با دبیر آموزش و پرورش گذاشتند ایشان را آگاه ساختیم که این برنامه متنازعه فعلی چه مضراتی دارد و چه قدر نتایج خطرناکی را دنبال دارد. دبیر آموزش و پرورش نیز قول داد که این مسئله را با طریق مناسب حل خواهیم کرد ولی هنوز خبری نیست. در اواخر نوامبر وزیر گلگت بلتستان یک هیئت پنج‌رکنی متشکل از علما و رهبران تشیع منطقه را برای ملاقات اسلام‌آباد طلب کرد. این هیئت پنج‌رکنی بلافاصله اسلام‌آباد رفت ولی عجیب این است که خودش طلب کرده بود باز هم ملاقات نکرد و نه عذرخواهی کرد. این هیئت با نفرت شدید با وزیر به گلگت برگشتند. با وفاقی وزیر و چیف اگزکتیو گلگت بلتستان (منطقه شمال) آقای شیرپاو هم یک هیئت شیعیان ملاقات داشتند و ایشان را هم از مسئله برنامه آموزش و پرورش آگاه نمودند و خواستار شدند که این مسئله را سریع حل کنند ولی هیچ عکس‌العملی ایشان هم نشان نداد و همان سلسله اجبار بر خواندن متون مدون متنازعه برای محصلین شیعه جاری ماند.

مطالبه نمودن متونی که متفق علیه باشد یک خواسته معقول و منطقی است و کسی این را

نمی‌تواند نادرست قرار بدهد. چنانچه در ملاقات‌ها با حکام و صاحبان منصب و اقتدار دولتی آن‌ها هم اقرار داشتند که این مطالبه درست و جائز است و برنامه آموزشی دولتی باید متفق علیه باشد و مقامات دولتی بارها به شیعه قول داده بودند که ما این مشکل را حل خواهیم کرد و از این حرف‌های شان معلوم می‌شد که جدی هستند ولی متأسفانه بعداً به هیچ وعده‌ای را ایفا نکردند. مدت سه سال شیعیان منطقه گلگت بلتستان با آرامش کامل و بدون درگیری برای حل مسئله اختلافی آموزشی سعی و تلاش کردند و دولت وعده‌های دروغین را ادامه داد و این سلسله هنوز که هنوز است به انتها نرسید.

۷. آغاز نهضت نصاب تعلیم

پس از آگاهی شهید از این موضوع او با مطالعه دقیق کتاب‌های درسی از ابتدایی تا عالی را بررسی نمود و گفت‌وگوهای اولیه به شیعه‌ها و مسئولین حکومتی آگاهی داد که نصاب فعلی آموزش متنازع است و شامل محتوای ضد شیعه می‌شود و از دولت خواست که متون درسی را بر اساس مشترکات فرقه‌های اسلامی تدوین کنند و همین‌طور وی در مرکز گلگت و بلتستان منطقه گلگت نهضت اصلاح متون درسی (اصلاح نصاب تعلیم) به راه انداخت.

شهید بزرگوار علامه سید ضیاءالدین رضوی (طاب ثراه) نخست از طریق خطبه‌های جمعه به حرکت‌های خلاف قوانین بین‌المللی حقوق شهروندی و قانون اساسی پاکستان علیه شیعه اعتراض کردند. از سال ۲۰۰۰ میلادی با برگزاری سمینارها اعتراضات خود را ادامه دادند. وقتی دولت به این خواسته‌های مشروع شیعیان توجهی نکرد شیعیان مجبور شدند به خیابان‌ها بیایند و تظاهرات کنند. مقامات دولتی اذعان داشتند که خواسته‌های شیعیان به رهبری علامه سید ضیاءالدین رضوی بجا است اما تنها وعده و وعید می‌دادند و عمل نمی‌کردند. حتی علمای بزرگ اهل سنت نیز مطالبات شیعیان را درست می‌دانستند در حالی که گروه تروریستی سپاه صحابه با این مطالبات مخالفت می‌کرد.

به مدت چهار سال شیعیان مناطق شمالی به رهبری این شهید بزرگوار برای حفظ عقاید شیعه تظاهرات برگزار کردند. در نهایت در ۱۴ خرداد ۸۳ شمسی شهید علامه سید ضیاءالدین رضوی تظاهرات کفن پوشان را اعلام کردند. در نهایت دولت برای حل مشکل نظام آموزشی ضد تشیع توافق کرد که در مدارس که دانشجویان صد درصد شیعه هستند طبق عقاید شیعه تدریس شود و در مدارس که شیعه و سنی با هم هستند عقاید مشترک تدریس شود. اما بعداً این توافق

را زیر پا گذاشت و اجرا نکرد. دانشجویان شیعه از اوایل دی ۸۳ مجدداً تظاهرات را آغاز کردند.

در تاریخ ۲۸ مه ۲۰۰۴ رئیس موقت انجمن امامیه گلگت و خطیب جامع مسجد امامی دنیور در تجمع عمومی در شاهراه ریشم اعلام کردند که از ۳ ژوئن تظاهرات آغاز خواهد شد و مردم با کفن‌بندی به میدان خواهند آمد. ایشان تأکید کردند که در طول این ۱۴۰۰ سال ملت شیعه همواره با ظلم و بی‌عدالتی مواجه بوده و برای مقابله با این مظالم سیره ائمه معصومین و فرهنگ جعفریه ما را به یک مسیر عملی جامع و واضح راهنمایی کرده است. عمل به این مسیر تضمین‌کننده موفقیت در دو جهان است. در سراسر پاکستان نیز درباره اصلاح نظام آموزشی حرکت‌هایی انجام شده و این تلاش‌ها ادامه خواهند داشت. یکی از نکات مهم وجود رهبری صالح و دانا است که بتواند ملت را به پیش ببرد. تنها رهبری که از هدفش صادقانه پیروی می‌کند می‌تواند به این امر توجه کند. سیاست رهبری دینی تنها باید بر اصول روشن قرآن و سنت استوار باشد. در خصوص اصلاح نظام آموزشی در این مدت خواص جامعه که باید با شهید همکاری می‌کردند این‌ها فقط به دعا اکتفا کردند.

۸. کمیته عکس‌العمل دانشجویان شیعه

یک کمیته به نام کمیته عکس‌العمل دانشجویان شیعه (شیعه طلبه ایکشن کمیٹی) تأسیس شد. سید ضیاءالدین رضوی رئیس این کمیته بود. وی روی حرف‌هایش محکم ایستاد به همین دلیل تهمت‌های ناروا مانند مزدور بریتانیه و هندوستانی بودن به او زده شد. او برای به کرسی نشاندن خواسته‌های خود آماده تظاهرات علیه دولت در منطقه گلگت شد. برای انجام تظاهرات سراسری در منطقه تاریخ ۳ ژوئن ۲۰۰۴ میلادی معین شد. چنانچه در سوم ژوئن ۲۰۰۴ از سایر مناطق مانند بگروت جلال‌آباد اوشکهنداس جوتل جگلوٹ رحیم‌آباد نلتر نومل دینور حداقل پنج هزار نفر برای انجام تظاهرات نزد پل دینور جمع شدند. این تظاهرات علیه اعلام وضعیت فوق‌العاده در منطقه گلگت و همچنین آزادی شهید سید ضیاءالدین از زندان بود. چنانچه سید ضیاءالدین همراه دوستان خود که تعدادشان نود نفر بودند بعد از یک ماه از زندان آزاد شدند. وی خستگی‌ناپذیر تلاش کرد تا برنامه‌های درسی در گلگت بلتستان از نظر همه مکاتب پذیرفته شود.

۹. طرح کمیته مطالبات شیعه

در گلگت بلتستان بیشتر از ۷۵۰ مدرسه دولتی وجود دارد که در نیمی از این مدارس صد درصد دانش‌آموزان شیعه هستند و در بقیه مدارس بچه‌های شیعه سنی اسماعیلی مشترک‌اند و در مدرسی که صد درصد بچه‌ها شیعه هستند این بچه‌ها هم مجبورند که عقاید ضد شیعی را در کتب درسی بخوانند. در سال‌های اخیر نهضت جعفریه (کمیته مطالبات شیعه) برای نظام آموزشی کل کشور پاکستان این طرح ارائه کرده‌اند که:

۱. در نظام آموزش برای دانش‌آموزان شیعه کتاب‌های درسی جدا باشد.
۲. یا در نظام آموزشی در کنار نظر اهل سنت نظر شیعه را هم ذکر کنند.
۳. در نظام آموزشی کشور پاکستان از کتب اصیل شیعه هم استفاده شود.
۴. و همین‌طور اساتید شیعه هم استخدام شوند.

۱۰. دستگیری رهبر نهضت اصلاح برنامه درسی

نیمه شب ۱۴ خرداد سال ۸۳ پیش از برگزاری تظاهرات دولت شهید سید ضیاءالدین را به همراه هفت تن از اکابرین شیعه دستگیر کرد. با وجود اینکه دولت برای ایجاد وحشت و مقابله با هرگونه اتفاقی ده هزار نفر از ارتش را به گلگت فرستاد اما تمامی شیعیان مناطق شمالی از خانه‌ها بیرون آمدند. در برابر روحیه ایثار شهادت وحدت و انسجام شیعیان دولت نتوانست مقاومت کند و بعد از بیست روز شهید سید ضیاءالدین آزاد شد. رئیس محافظین ایشان (سید حسن شاه کاظمی) بدون هیچ مدرکی به قتل رهبر گروه تروریستی سپاه صحابه (اعظم طارق) متهم دستگیر شد و به زندان اسلام‌آباد منتقل شدند و مدت شش ماه در زندان نگه داشته شدند. شهید والا مقام علامه سید ضیاءالدین رضوی (اعلی‌الله مقامه) بارها توسط دولت آرموده شده بود. ایشان هیچ‌گاه اهل معامله نبودند و در مواضع خود مثل کوه ایستادگی می‌کردند و از هیچ قدرتی نمی‌ترسیدند. تفکر بسیجی داشتند و عاشق شهادت بودند.

نتیجه‌گیری

بررسی نقش و اقدامات شهید علامه سید ضیاءالدین رضوی نشان می‌دهد که وی مسئله نصاب آموزشی را صرفاً یک موضوع آموزشی نمی‌دانست بلکه آن را مرتبط با هویت دینی فرهنگی و اجتماعی نسل‌های آینده جامعه شیعه تلقی می‌کرد. از نگاه وی نظام آموزشی باید

بازتاب‌دهنده تنوع مذهبی موجود در جامعه پاکستان بوده و از تحمیل دیدگاه‌های یک مذهب بر پیروان مذاهب دیگر پرهیز نماید. شهید رضوی با بهره‌گیری از شیوه‌های مسالمت‌آمیز گفت‌وگو با مسئولان ارائه پیشنهاد‌های اصلاحی برگزاری نشست‌های علمی و سازمان‌دهی اعتراضات مدنی تلاش گسترده‌ای برای اصلاح متون درسی انجام داد. هرچند بسیاری از مطالبات مطرح‌شده در دوران حیات ایشان به‌طور کامل محقق نشد اما این تلاش‌ها موجب افزایش آگاهی عمومی و شکل‌گیری گفتمان عدالت آموزشی در میان شیعیان پاکستان گردید.

در مجموع می‌توان گفت که نهضت اصلاح نصاب تعلیم یکی از مهم‌ترین جلوه‌های فعالیت فرهنگی شهید سید ضیاءالدین رضوی محسوب می‌شود و میراث فکری و اجتماعی وی همچنان در مطالبه حقوق آموزشی و فرهنگی جامعه شیعه پاکستان تأثیرگذار است. دوراندیشی بصیرت و زمان‌شناسی او در تشخیص خطر انحراف اعتقادی از طریق نظام آموزشی الگویی ماندگار برای نسل‌های بعدی فراهم آورده است.

پیشنهادهای

۱. انجام پژوهش‌های دانشگاهی مستقل درباره تاریخچه اصلاح نصاب آموزشی در پاکستان.
۲. بررسی تطبیقی نظام‌های آموزشی چندمذهبی در کشورهای اسلامی و استفاده از تجربیات موفق آن‌ها.
۳. تشکیل کمیته‌های علمی مشترک از نمایندگان مذاهب مختلف برای بازنگری در متون آموزشی.
۴. توجه بیشتر به اصل عدالت آموزشی و رعایت تنوع مذهبی در تدوین کتاب‌های درسی.
۵. فراهم‌سازی امکان استفاده از منابع آموزشی متناسب با باورهای مذهبی دانش‌آموزان در چارچوب قوانین ملی.
۶. گردآوری و انتشار اسناد سخنرانی‌ها و فعالیت‌های شهید سید ضیاءالدین رضوی در حوزه اصلاح نظام آموزشی.
۷. بررسی آثار فرهنگی و اجتماعی نهضت اصلاح نصاب تعلیم بر تحولات فکری و هویتی شیعیان گلگت بلتستان.

فهرست منابع:

۱. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، (بی‌تا)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲. حیات القلوب، محمدباقر مجلسی، (بی‌تا)، قم، انتشارات اسلامی.
۳. تاریخ تشیع در پاکستان، (بی‌نا)، (بی‌تا)، اسلام‌آباد.
۴. بررسی شخصیت شهید علامه سید ضیاءالدین رضوی، (بی‌نا)، (بی‌تا).
۵. شهید سید ضیاءالدین رضوی (دنیوری)، (بی‌نا)، (بی‌تا).
۶. وبسایت شهید رضوی، (بی‌تا).
۷. اسلام تایمز، (بی‌تا).
۸. ویکی وحدت، (بی‌تا).